

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۱۷ می ۲۰۰۹

"مسیح" بحیث "یهود" بدنیا آمد؟؟؟

در تلویزیون سفر "پاپ، بندیکت شانزدهم" را در "ناصریه" (Nazareth) ، نشان میدادند و راپورتر گزارش میداد. مردک از حضرت عیسی مسیح (ع) سخن گفت و اولین گیش این بود که :

« عیسی بحیث "یهود" بدنیا آمد.»

وقتی این جمله را شنیدم، گوشم جرنج کرد، که چنین سخنی از نظر عقلی هرگز قابل پذیرش نیست. اینست که این سطور را نوشته و بحضور اشرف خوانندگان پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" تقدیم میکنم :

چه فلسفه ایست، اگر بگویند : فلان نفر "مسلمان" بدنیا آمد ، یا "هندو" زاده شد، یا "عیسوی مادر زاد است" یا بحیث "کافر" تولد شد؟؟؟ اگر چنین فکری درست باشد، باید این را هم درست گفته بتوانیم که :
فلانی "دزد" زاده شده، یا "فیلسوف" بدنیا آمده ، یا "خائن مادر زاد" است، یا فلانی را مادرش "داکتر" و "انجنیر" و "پروفیسر" بدنیا آورد!!!

به تحقیق که آنچه جبلی و مجبول و فطری نباشد، از طریق "اکتساب" حاصل میگردد. انسان درس میخواند که "معلم" شود و افسر و داکتر و پروفیسر و عالم و دانشور یا شاگری میکند، تا "مستری" شود و "نانوای" شود و نجار و گلکار و مسگر و آهنگر و غیره.

حقیقت اینست، که بعض چیزها "فطری" و "ذاتی" اند و بعضی هم "کسبی" و "اکتسابی". آنچه را انسان به حیث یک "جاندار" و "حیوان" برای "زنده ماندن" خود نیاز دارد، فطری و طبیعی و غریزی و مجبول است، که بدون اراده انسان هم در وجود انسان وجود دارد. انسان با چنین صفات زاده میشود، همان قسمی که حیوانات دیگر هم همینطور بدنیا می آیند. از قبیل "خوردن" ، "نوشیدن" ، "خوابیدن" ، "حرکت کردن" ، "تنفس کردن" ، "خاصیت توالد و تناسل" و غیره.

حتی "سخن گفتن" هم "جبلی" و "فطری" نیست، چون وقتی انسان زبانی را نمی شناخت و در واقع "بی زبان" بود، هم میزیست، و مثال چشمگیر تر اینکه یک انسان "گنگ" بدون "سخن گفتن" میزید(زندگانی میکند).

انسان صدها هزار سال زبان را نمیشناخت و آنچه را امروز به نام "زبان" و "لسان" میشناسیم، در پروسه بسیار طولیل المدت و طولانی ، در مسیر هزاران سال بوجود آمده و به قوام رسیده است.

"علم" و "دانش" و "حرفه" و "پیشه" و "منش" و "آئین" و "فکر" و "اندیشه" و غیره همه "کسبی" و "اکتسابی" اند، که انسان از ماحول و اجتماع خود بدست می آرد. هیچ کس نه "مسلمان" بدنیا می آید و نه "کافر" و نه "هندو" و گبر و ترسا و یهود و نصارا". این پدر و مادر اند، که بر طفل خود نامهای مسلمانی و عیسوی و یهودی و هندونی و غیره داده و ایشان را "مسلمان" و عیسوی و جهود و هندو و غیره" بار می آرند.

البته قوه درک یک انسان مستقیماً متناسب است با ساختمان مغزی او. شاید نظر به عواملی مغز بعض کسان در شکم مادر درست انکشاف نکرده و زمینه و استعداد کمتر آموزش و پرورش ایشان را میسر بسازد. و برعکس

کسانی هم وجود داشته می‌توانند، که ساختمان فزیک مغز شان حتی در همان بطن مادر انکشاف بهتر کرده و زمینه بهتر را برای اکتساب پیدا مینمایند. موضوع جنتیک یا ژنتیک هم در هر دو صورت، اثرات خود را دارد. با این شرح مختصر در می‌یابیم که گفته آن مردکه تلویزیون، که گویا «حضرت عیسی بحیث "یهود" زاده شد» - و مراد از "یهود" به تحقیق و هرآئینه "پیرو دین حضرت موسی" است - ، از بیخ و بنچک غلط است. درینجا "یهود" به هیچ وجه به حیث "قوم" مطرح شده نمیتواند، چون "یهود" و "عرب" هر دو از یک "نژاد" اند، که نژاد "سامی" نامیده میشود.

حدس میزنم که گفته آن مردک، متأثر از اندیشه "یهودیت" است، که باصطلاح "قوم یهود" را "قوم برگزیده خدا" میدانند. تو گوئی خداوند تعالی هم در بین بندگان خود، "تبعیض" قایل است؛ العیاذ بالله!!!! فلسفه "قوم برگزیده" اساس در دید راسیستی و فاشیستی دارد، که نه آنرا عقل سلیم می پذیرد و نه منطق بصیر!!!!